

جلوه‌های پایداری در اشعار بختیاری (با تأکید بر اشعار حماسی)

*طوبی اورک

**اسماعیل صادقی

چکیده

قوم بختیاری با تاریخ، فرهنگ و ادبیات خاص خود یکی از اقوام ایرانی دربخش زاگرس میانی است. ادبیات بختیاری، چون سایر اقوام ایران ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم این قوم داشته و برای شناخت باید با فرهنگ و تمدن این قوم آشنا شد. فرهنگ و آداب و رسوم قوم بختیاری نمودی آشکار در اشعار شاعران این قوم دارد. در شعر شاعران همواره نشان از صداقت، صمیمیت، مهمان‌نوازی، عشق، جنگ‌ها و فداکاری‌های مردمان بختیاری است. روش تحقیق: این پژوهش به صورت تحلیلی و توصیفی است. گام نخست جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و تهیه منابع اصیل و قابل اعتماد با موضوع اشعار حماسی بختیاری است. گام دوم به مصاحبه با برخی از شاعران و نویسندگان بختیاری پرداخته شد و سپس در گام سوم با تحقیق در مجلات، مقالات، سایت‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی به جمع‌آوری اشعار بختیاری مبادرت ورزید. در پایان به طبقه‌بندی مطالب جمع‌آوری شده پرداخته و نقد و داوری مطالب گردآوری شده توسط محقق انجام شد. نتیجه: با مطالعه اشعار بختیاری می‌توان نگرش، باورها و ارزش‌های این قوم را به تصویر کشید. اغلب شاعران بختیاری زمان معاصر در تمام اشعارشان از آداب، رسوم و فرهنگ عامه استفاده کرده‌اند. آداب و آیین‌هایی قوم بختیاری جهت یادآوری برای نسل آینده و جوانانی است که با فرهنگ و آداب و رسوم کهن سرزمین‌شان بیگانه هستند.

کلید واژه: قوم بختیاری، تاریخ، فرهنگ، ادبیات، آداب و رسوم.

* دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد. شهرکرد. ایران. t.orak2019@yahoo.com

**دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد. شهرکرد. ایران. sadeghiesma@gmail.com

۱- مقدمه

در فرهنگ سیاسی- اجتماعی مردم بختیاری، از دیرگاه در قلمرو جغرافیایی مناطقی از خوزستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان و اصفهان مردمی زندگی می‌کنند که «خاک بختیاری» نام دارد. این مردم نژاد خود را کهن‌ترین دوران و زبان خود را با اصالتی دیرین به ایران شاهنامه متعلق می‌دانند. کوچ و زندگی کوهستانی را از دیرباز تجربه کرده‌اند و تا امروز تحولات مختلفی را در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دولت‌ها دیده‌اند و با فراز و نشیب‌هایی همچنان ارجمند و مهم در مرکز ایران زندگی می‌کنند. اگرچه جبر طبیعت یا به فراخور سیاست‌های دولت‌ها از دیار خویش کوچیده و یا کوچانده شده‌اند؛ ولی هویت ملی و تاریخی- فرهنگی خود را از یاد نبرده‌اند. بسیاری از بختیاری‌ها امروز علاوه بر کشورهای همسایه، در خراسان، آذربایجان، کرمان، سیستان و بلوچستان، زنجان، مرکزی، سمنان و... ساکن شده‌اند و با محیط و جغرافیای جدید خو کرده‌اند؛ ولی هنوز به اصالت‌های نژادی، زبانی، و هویتی خویش وفادارند (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۱۹).

ادبیات بختیاری، چون سایر اقوام ایران زمین ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم این قوم داشته و برای شناخت باید با فرهنگ و تمدن این قوم که ریشه در فرهنگ تاریخی و باستانی ایران زمین دارد، آشنا شد. برای درک پیشینه و نحوه‌ی شکل‌گیری این تمدن، باید به هزاره‌های قبل از میلاد و آثار باستانی باقیمانده در پهنه‌ی منطقه بختیاری واکاوی کرد. بررسی سنگ نوشته‌ها، آتشکده‌ها و تمدن‌هایی که در زیر خاک نهفته شده و نیاز به یک عزم ملی و میهنی را خواستار است تا با فرهنگ غنی و حماسی این قوم آشنا شد که بتوان به فرهنگ فراموش شده و غنای حماسی زندگی قوم بختیاری پی برد (دانایی‌نیا و ایل‌بیگی پور، ۱۳۹۶: ۶۹).

تمدن و فرهنگ بختیاری در طول زمان به سبب اقلیم، جغرافیا و حماسه‌سازی مردان دلیر این قوم، دست نخورده باقی مانده است. قومی که همواره در طول تاریخ در مقابله با دشمنان سر تسلیم فرود نیاورده‌اند. این قوم به دلیل اینکه فرهنگ اقوام مهاجم را

نپذیرفته‌اند، در جهت طرد دشمنان خود تلاش بسیاری کرده‌اند. به جهت کوهستانی بودن منطقه بختیاری و دوری از اقوام مهاجم و نیز به علت قدمت و اصالت زبان، گویش‌ها و گونه‌های زبانی و واژه‌های بختیاری در عصر تهاجم فرهنگی و ظهور فناوری، واژه‌های بیگانه نتوانسته به نسبت دیگر مناطق، در بین گفتار و زبان مردم بختیاری راهی پیدا کند و خود به خود از دایره واژگان گویش بختیاری، حذف شده است (همان).

اشعار رزمی و حماسی بختیاری، در جنگ‌ها و درگیری‌های قوم بختیاری با مهاجمان یا زورگویان مستبد و دیکتاتور روزگار سروده شده‌اند. بختیاری‌ها در این نوع اشعار در ادبیات حماسی، دلاوران و قهرمانان از دست رفته خود را ستوده و به آنها افتخار می‌کرده‌اند. همچنین به جهت تعصب زیادی که نسبت به آنان داشته‌اند، بعد از گذشت چندین سال، هنوز هم آن را زمزمه می‌کنند و یاد آنها را زنده نگه می‌دارند.

گویش بختیاری ریشه در واژه‌های پارسی باستان، فارسی پهلوی، دری و اوستایی دارد، آشنایی با این زبان برای زبان شناسان و محققان علاقه‌مند به فرهنگ و تمدن بختیاری و نیز کسانی که در زمینه زبان‌های باستانی تحقیق و پژوهش می‌کنند، یک امتیاز محسوب می‌شود (قنبری عدیوی، ۱۳۸۵: ۵۲).

فرهنگ و آداب و رسوم قوم بختیاری نمودی آشکار در اشعار شاعران این قوم دارد. در شعر شاعران همواره نشان از صداقت، صمیمیت، مهمان نوازی، عشق، جنگ‌ها و فداکاری‌های مردمان بختیاری دارد، آنان که همواره در برابر ظلم و ستم حاکمان جانانه ایستادگی کرده‌اند و هر زمان که نیاز بوده است به صحنه‌ی سیاسی کشور وارد شده و در جهت سرنگونی رژیم‌های طاغوتی و ظالم تلاش کرده‌اند.

خود در بین مردم بودند، از نزدیک وقایع و حوادث را می‌دیدند به همین جهت شعر برخاسته از جان و دل آنها بود و با زبانی ساده ولی تأثیرگذار سخن خود را بیان می‌کردند. شعر شاعران بختیاری انعکاس صدای مردم بوده و هنگامی که مورد خشم حکام ستم قرار می‌گرفتند، این ادبیات پژواک اعتراض و پایداری آنان در برابر دشمنان

فرهنگ و تاریخشان بوده است. شاعران متعهد و وطن پرست، گویی احساس وطن‌دوستی آنها باعث می‌شده به گویش مادری خود شعر بگویند و از سرزمین خود که به آن افتخار می‌کردند، به نیکی یاد کنند و هیچ گاه رنج، سختی و مشقت‌های زندگی عشایری و روستایی باعث شکوه و شکایت آن‌ها نسبت به سرزمین خود نمی‌شد، بلکه ریشه‌ی همه فقر و رنج و مصیبت‌ها را حاکمان وقت می‌دانستند (دانایی‌نیا و ایل‌بیگی پور، ۱۳۹۶: ۷۱).

ادبیات پایداری، ادبیات بیداری است که ملت‌ها را از بحران‌های ملی، جنگ‌ها، ستم‌ها بیگاری‌ها آگاه می‌کند؛ ادبیاتی است که نقاب از چهره دشمن برداشته و جایگاه‌های هفته و خطرهای پنهان او را آشکار می‌سازد. در دوره مشروطه به واسطه حضور بیگانگان و وضع نابسامان کشور و وجود سیاستمداران ناکارآمد و رشوه‌خوار، کشور اوضاع نابسامانی داشته و روسیه و انگلیس به فراخور میل خویش دست به غارت ثروت کشور زده از سران کشور امتیازات مختلف می‌گرفتند. شاعران، به عنوان زبان گویای ملت، قدم در راهی دشوار نهاده و در زمانه‌ای که اختناق و خفقان حاکم بوده، گاه به صورت مستقیم و گاه با استفاده از نماد، نسبت به اوضاع داخلی و حضور بیگانگان در کشور اعتراض کرده. با سلاح شعر به جنگ ظلم و ستم رفته‌اند؛ چنانکه غسان کفانی می‌گوید: «ادیب در جنگ آزادی با سلاح کلمات به میدان می‌آید» (محمدعطیه، ۱۹۶۹: ۶).

ترسیم چهره رنج کشیده و مظلوم مردم، دعوت به مبارزه، بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌ها، توصیف و ستایش جان باختگان و شهیدان، القای امید به آینده و پیروزی موعود، ستایش آزادی و آزادگی، ستایش سرزمین مادری و طرح نمادهای اسطوره‌ای ملی و تاریخی پیام این نوع ادبیات می‌باشد. جانمایه این آثار، ستیز با بیداد داخلی یا تجاوز خارجی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است (سنگری، ۱۳۷۷). این نوع ادبیات، در واقع، فریادیست که از عمق جان ادیب برخاسته و در پهنای جهان هستی طنین انداز می‌گردد و با فریاد

بی‌صدای خود، ندای خاموش ملت‌های ستم‌دیده را به گوش جهانیان می‌رساند. این ادبیات در برابر استعمارگران و ظالمانی که هدفی جز به یغما بردن تلاش‌های ملت‌های مظلوم و ستم‌دیده برای برافراشتن کاخهای ظلم و ستم خود ندارند، به پاخاسته و با تمام توان برای نابودی اهداف استعماری آنان تلاش می‌کند.

ادبیات پایداری در واقع عکس‌العملی است که در پی رویدادهایی مانند جنگ و پس از اشغال میهن و عوامل داخلی چون استبداد و کژی‌های اخلاقی پدید می‌آید و این نوع ادبیات، ماحصل مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی چون استبداد، غصب سرزمین و حاکمیت ضد مردمی است (نجمی و قره چاهی، ۱۳۹۷: ۲۴).

در این پژوهش سعی بر آن است که با بازشناسی شعر حماسی بختیاری که خاستگاه پایداری این قوم در برابر ظلم و ستم حاکمان جور و همچنین ایستادگی این قوم در برابر خودکامگی قوم‌های دیگر که به زور و ستم خواستار طمع‌ورزی به این خطه از ایران بوده‌اند اما این قوم در برابر آن‌ها به مقابله پرداخته است و جنگ ستیزی را در سرلوحه فرهنگ خود قرار داده است. سعی شده است تا در این تحقیق به بازشناسی جلوه‌های پایداری و مقاومت در شعر شاعران اصیل بختیاری که اشعار حماسی بسیاری سروده‌اند پرداخته شود و نقد و بررسی آن‌ها موجب شود تا با فرهنگ و ادبیات بختیاری که نمونه بارزی از پایداری در برابر ظلم و جور است شناخت بهتری حاصل شود.

۲. پیشینه پژوهش

درباره موضوع پایداری و شعر حماسی قوم بختیاری تحقیقات اندکی صورت گرفته است اما سعی شده است تا تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش نیز در پیشینه تحقیق آورده شود.

کریمی نورالدینوند و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان تحلیل محتوایی اشعار صیادی در فرهنگ بختیاری در فرهنگ بختیاری، شکار از شیوه‌های مهم تأمین غذا از گذشته تا امروز بوده است؛ بدین سبب شکارچیان در این فرهنگ جایگاه بسیار مهمی

به دست آورده‌اند. در این فرهنگ، اشعار مختلفی به یاد آنان سروده شده است یا از زبانشان خوانده می‌شود. در این اشعار، بسیاری از آداب و آیین‌های شکار و شکارچیان بازتاب یافته است که با بررسی و تحلیل آنها، می‌توان به مسائل شکار در فرهنگ بختیاری پی برد. بر این اساس، هدف از انجام این پژوهش، تحلیل محتوایی اشعار صیادی در فرهنگ بختیاری بر اساس روش اسنادی است. مسائلی مانند ابزارهای شکار، مفاخره، فنون و شگردهای شکار، فصل شکار، نقش شکار در تأمین غذا و باورهای مربوط به آن بررسی شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شعر صیادی در فرهنگ تقسیم می‌شود و در آنها با زبانی ساده، " سرگهی و سوگ شکارچی " بختیاری به دو شاخه بیشتر باورها، احساسات شکارچیان، فنون شکار و توجه به حفظ محیط زیست و گونه‌های شکار به تصویر کشیده شده است.

طایبی سمیرمی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان نوستالژی دوران حماسی در شعر بختیاری به بررسی ترانه‌های حماسی بختیاری پرداخته‌اند. هدف از این پژوهش بیان دیدگاه‌ها و احساسات و عواطف اقوام و ایل‌های ایران از جمله بختیاری‌ها، از طریق فرهنگ شفاهی به نسل حاضر و همچنین مردم‌شناسی روان‌شناسی اقلیم‌شناسی قوم بختیاری است. نویسندگان در این اثر به توصیف حماسه‌ها در پی جنگ‌های میان ایل‌ها و عشایر، درگیری با حکومت مرکزی و گاه رویارویی با بیگانگان پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیدند که از میان اسباب و آلات جنگ، بیش از همه نام تفنگ «برنو» دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که گویی ارزشمندترین دارایی قهرمان، همان است. از آنجا که اغلب قهرمانان ایل در جنگ با دشمن جان می‌بازند اشعار حماسی این قوم، مانند اکثر حماسه‌ها جنبه‌ای تراژیک دارند.

شهبازی (۱۳۹۸) در پژوهش خود به نقد توصیفی و ساختاری سوگ چکامه‌های حماسی بختیاری (شوخین‌ها)؛ گونه‌ای از اشعار عامه پرداخته است. این پژوهش با مروری بر تحقیقات موجود، این گونه از اشعار عامه بختیاری را معرفی و توصیف کرده است. نتایج حاصل این تحقیق نشان می‌دهد که حدود ۲۴ سوگ چکامه یا «شوخین»

(بیت ۳۸۹) در زبان بختیاری وجود دارد که از این تعداد، چهار نمونه از آن‌ها، جزو سوگ چکامه‌های برجسته و مهم‌اند. همچنین، در این پژوهش به مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری و محتوایی سوگ چکامه‌های بختیاری، از قبیل قالبی بودن، داشتن عناصر و زمینه‌های شعر حماسی، توصیفات قوی و... اشاره شده و نشان داده شده است که این اشعار جزو اشعار تأثیرگذار عامه‌اند و از این‌رو، شایسته است که در بررسی اشعار عامه اقوام گوناگون، به آن توجه شود.

ایزدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان نوستالژی در شعر گویشی بختیاری، به بررسی نوستالژی در شعر گویشی بختیاری می‌پردازد و از این رهگذر به احساسات اجتماعی مردمان بختیاری که در اشعار گویشی‌شان انعکاس یافته است، همچنین احساساتی چون بیگانگی نسبت به دنیای حاضر، بی‌رغبتی به زندگی صنعتی شهری و طبیعت‌گرایی که غالب بختیاری‌ها را وامیدارد تا دنیای مطلوب خویش را در گذشته با شکوه‌شان جستجو کنند و سادگی و صفای زندگی ساده ایلی و کوچ نشینی را بر دردسره‌های زندگی شهری ترجیح دهند و با این قبیل اشعار، دمی از جهان و کار جهان برآسایند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نوستالژی نوعی نقد اجتماعی است. ادیب، جامعه را در قیاس با گذشته مطلوبش، نامطلوب جلوه می‌دهد. شعر گویشی بختیاری، از عناصر نوستالژیک، سرشار است. بریدن از زندگی ساده و با صفای روستایی و شهرنشینی، اتفاقی است که پیامدهای مادی و معنوی بسیار داشته است. شاعر با پیش کشیدن این موضوع، به نقد و بررسی همه ابعاد موضوع، می‌پردازد و مخاطب را با عواقب وخیم موضوع، آشنا می‌کند؛ بر باد رفتن بسیاری از آداب و رسوم، رفتارهای پسندیده و سنتهای نیک، سنتهای نکو و... را از پیامدهای شوم آن می‌داند.

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از اقوام ایرانی که دربخش‌هایی از استان چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان و اصفهان زندگی می‌کنند قوم بختیاری هستند. به علت اهمیت این قوم در

عرصه سیاسی و اجتماعی ایران به خصوص پس از مشروطیت محققان و نویسندگان ایرانی و غیر ایرانی به مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی و ادبی این قوم توجه خاصی داشته‌اند. از بین موضوعات مختلف در جامعه مورد بحث، ادبیات قوم بختیاری به عنوان مهم‌ترین وسیله شناخت فرهنگ قوم بختیاری تلقی می‌شود (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۱۹). بازتاب جلوه‌های پایداری را می‌توان در اشعار حماسی بختیاری با عمقی به پیشینه درخشان این تمدن و فرهنگ، در عصر حاضر مشاهده نمود.

این پژوهش از این حیث دارای اهمیت و ضرورت ویژه‌ای است که اشعار بختیاری جزئی جدایی‌ناپذیر از ادبیات و میراث معنوی ایران است. مطالعه و بررسی اشعار بختیاری اطلاعات مهمی از فرهنگ و حماسه‌سازی این ایل را به دست می‌دهد که به اقتضای موضوع پژوهش بسیار جدید و کارآمد است. همچنین اشعار این جزئی از ادبیات بومی سرود ایران دارای اهمیت و ضرورت خاصی است. این قوم به دلیل روح سلحشوری و شجاعت، اندیشه‌های شیعی و مصون ماندن از امتزاج و تداخل فرهنگی با دیگر اقوام ایرانی از ادبیاتی اصیل و بومی بهره گرفته است. بر این اساس اگر ادبیات این قوم به خوبی شناخته و معرفی نشود ممکن است با گسترش زندگی اجتماعی و دگرگونی‌های بافت جغرافیایی دچار نابودی گشته و به دست فراموشی سپرده شود. البته شناخت نادرست و دانش اندک از میراث و سوابق ادبی بختیاری و همچنین نبود آثار مدون و مکتوب در گذشته، تصویری ناشایست از اوضاع فرهنگی و قوت و ضعف ادبیات بختیاری در بین ایل و ندان پدید آورده است (طایی سمیرمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۹) که با تحقیق و پژوهش و ارائه آثار ادبی این نقطه ضعف را می‌توان جبران نمود به همین روی این تحقیق برای برآورده شدن این خواسته گامی کوچک محسوب می‌شود. شعر بختیاری علاوه بر زمینه‌ها و کارکردهای کهن تحت تأثیر ادبیات فارسی و دیگر اقوام از جمله لری با توجه به شرایط زندگی امروز این قوم زمینه‌های بالندگی و ظهور و کارکردهای فراوان است و در انواع مختلف از نظر محتوایی به ویژه در شعر و

ادب حماسی که انعکاس دهنده جنبه‌های پایداری یک قوم در برابر مشکلات و سختی‌هاست تجلی می‌یابد.

این پژوهش کوششی در جهت معرفی و تحلیل بخشی از میراث ادبی قوم بختیاری و یکی از جنبه‌های مهم زندگی آنان یعنی پایداری است. روح دلاوری و سلحشوری قوم لر و نیز سرگذشت تاریخی آنان، در اشعار و حکایات عامیانه، بازتابی پررنگ و قوی دارد. ادب بختیاری آینه‌ای از تلاطم‌ها و جریانات سیاسی و اجتماعی است که این قوم آن دوران را پشت سر گذاشته و به دوران پرشکوه خود که سراسر از حماسی‌سازی است که منجر به تقویت روحیه پایداری در مردم شده است به خود افتخار می‌کند.

بخش مهمی از دیدگاه‌ها و احساسات و عواطف اقوام و ایل‌های ایران از جمله بختیاری‌ها، از طریق فرهنگ شفاهی به نسل حاضر انتقال یافته است. در این میان، شعر و ترانه‌های حماسی بختیاری، پژواکی از دوران شکوه و حماسی این قوم است که با دلاوری سلحشوران قوم، رقم خورده است. نام این مبارزان در شعرها و داستانهای عامیانه جاودانه خواهد بود. اغلب حماسه‌ها در پی جنگ‌های میان ایل‌ها و عشایر، درگیری با حکومت مرکزی و گاه رویارویی با بیگانگان بوجود آمده است. از میان اسباب و آلات جنگ، بیش از همه نام تفنگ برنو دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که گویی ارزشمندترین دارایی یک قهرمان، همین بوده است. نمادی که در شعر بختیاری به عنوان ابزاری برای دفاع از میهن و شرافت بوده است، نمادی که آغازگر یک حماسه در برابر وجود افراد تاریک تاریخ، نمادی برای پایداری در شعر و ادب بختیاری همواره مورد استفاده قرار داشته است. از آنجا که اغلب قهرمانان ایل در جنگ با دشمن جان می‌بازند اشعار حماسی این قوم، مانند اکثر حماسه‌ها جنبه‌ای تراژیک خواهند داشت (همان: ۸۰). در شعر حماسی بختیاری، علاوه بر بیان حسرت دوران گذشته، می‌توان اطلاعات متنوع دیگری همچون مردم‌شناسی روان‌شناسی، اقلیم‌شناسی و... را نیز کسب کرد که این پژوهش سعی دارد تا با نقد و بررسی اشعار بختیاری به موضوع پایداری تأکید ورزد و نماد پایداری در اشعار بختیاری را بازشناسد.

۴. بحث

"حماسه" در لغت از واژه «حمس»؛ به معنای «دلیری و شجاعت» است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۱۵۸) در اصطلاح ادبیات و اشعار فارسی؛ اثری داستانی - روایتی است که تعدادی از آنها بیان واقعیت‌های مقدس تاریخی است، و بسیاری از آنها با زمینه‌ای قهرمانی و رنگ قومی و ملی و یا خیالی، با سبکی فاخر نگاشته می‌شود. قهرمان حماسه از خصوصیت‌های فوق طبیعی برخوردار است و دارای نیروی جسمانی و نیز درونی و معنوی فوق بشری می‌باشد و در طی حوادث مختلف با نیروهای شیطانی یا قهرمان‌هایی که آنها نیز دارای خصوصیات فوق بشری هستند درگیر می‌شود. حوادث حماسه در فضایی که از نظر زمانی بسیار دور است می‌گذرد و عرصه آن بسیار وسیع است و با آن‌که اغلب حماسه‌ها جنبه ملی و قومی دارند، گاه صحنه حوادث آنها کل جهان حتی جهان زیر زمینی و فرازمینی را نیز دربر می‌گیرد (رستگار، ۱۳۸۰: ۱۵۰) آنچه حماسه‌ها روایت می‌کنند، هر چند ممکن است تاریخ واقعی گذشته‌های بسیار دور ملت‌ها نگاشته شوند؛ اما بسیاری از آنها، تاریخ واقعی نیستند، با این همه بعضی از حوادث دوران‌های دور گاه در حماسه‌ها خود را نشان می‌دهند و به صورتی مبالغه‌آمیز و آمیخته با افسانه‌های تاریخی به وجود می‌آیند. «ایلیاد» اثر «هومر» در میان حماسه‌های یونانی و داستان «گشتاسپ» در شاهنامه از این نوع‌اند (صفا، ۱۳۵۲: ۲۱).

در ادب کهن فارسی بیشتر حماسه‌ها منظوم هستند. در شعر حماسی دسته‌ای از اعمال پهلوانی - خواه از یک ملت باشد، خواه از یک فرد - به صورت داستان و یا داستان‌هایی درمی‌آید که ترتیب و نظم از همه جای آن آشکار است. در یک منظومه حماسی شاعر هیچ‌گاه عواطف شخصی خویش را در اصل داستان وارد نمی‌کند و آن‌را به پیروی از امیال خویش تغییر نمی‌دهد و به شکلی تازه چنان‌که خود بپسندد و یا معاصران او بخواهند در نمی‌آورد و به نام خود و آرزوی خویش، در باب او داوری نمی‌کند، چنان‌که در شاهنامه و دیگر منظومه‌های حماسی می‌بینیم. شاهنامه فردوسی از با ارزش‌ترین اشعار حماسی و ملی جاویدان ایرانیان به شمار می‌آید و در ردیف

حماسه‌های جهانی و حتی برتر از آن قرار دارد. شاهنامه، تاریخ ایران را از دوران باستان تا شکست ساسانیان و انقراض پادشاهی آنان به دست اعراب شامل می‌شود. از حماسه‌های قرن پنجم تا هفتم می‌توان به «شهریارنامه» و «سام‌نامه» متعلق به خواجه کرمانی و نیز «اسکندرنامه» نظامی گنجوی که به پیروی از شاهنامه فردوسی به نظم کشیده شده، اشاره کرد (سلطانی مقدم، ۱۳۹۱: ۳۰).

حماسه یکی از انواع ادبی و در اصطلاح روایتی است داستانی از تاریخ تخیلی یک ملت که باقهرمانی‌ها و اعمال و حوادث خارق‌العاده در می‌آمیزد، ویژگی اصلی حماسه، تخیلی بودن و شکل داستانی آن است. وجود انسان‌های آرمانی و برتر که از نظر نیروی جسمانی و معنوی برگزیده و ممتاز هستند، از دیگر ویژگی‌های حماسه به شمار می‌آید.

حماسه در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح، شعری است داستانی با زمینه قهرمانی، قومی و ملی که حوادثی خارق‌العاده در آن جریان دارد. آنچه حماسه‌ها روایت می‌کنند، هر چند ممکن است تاریخ واقعی گذشته‌های بسیار دور ملت‌ها نگاشته شوند؛ اما بسیاری از آنها، تاریخ واقعی نیستند، با این همه بعضی از حوادث دوران‌های دور گاه در حماسه‌ها خود را نشان می‌دهند و به صورتی مبالغه‌آمیز و آمیخته با افسانه‌های تاریخی به وجود می‌آیند.

در ادب کهن فارسی بیشتر حماسه‌ها منظوم هستند. در شعر حماسی دسته‌ای از اعمال پهلوانی - خواه از یک ملت باشد، خواه از یک فرد - به صورت داستان و یا داستان‌هایی درمی‌آید که ترتیب و نظم از همه جای آن آشکار است. در یک منظومه حماسی شاعر هیچ‌گاه عواطف شخصی خویش را در اصل داستان وارد نمی‌کند و آنرا به پیروی از امیال خویش تغییر نمی‌دهد و به شکلی تازه چنان‌که خود پسندد و یا معاصران او بخواهند در نمی‌آورد و به نام خود و آرزوی خویش، در باب او داوری نمی‌کند، چنان‌که در شاهنامه و دیگر منظومه‌های حماسی می‌بینیم.

ادب عامه، گستره وسیعی دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی آن را به ادب داستانی عامه، ادب نمایشی عامه، ادب غیرروایی عامه و شعر عامه (ادب منظوم عامه) تقسیم می‌کنند (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۴۰). در این تقسیم‌بندی شعر عامه خود به فروعی همچون اشعار شادی، اشعار سوگ، اشعار بازی و سرگرمی، اشعار خواب و نوازش، اشعار نیایشی و اشعار تغزلی تقسیم می‌شود که البته، هر کدام از آن فروع، خود چندین گونه از اشعار عامه را شامل می‌شود. وانگهی این فروع و گونه‌ها در مناطق مختلف با تنوعی کم نظیر و چشمگیر همراه‌اند، به گونه‌ای که می‌توان گفت مطالعه همه جانبه آن‌ها نیازمند همت و تلاش گروهی است. در همین راستا در ادامه به بررسی جلوه‌های پایداری و بررسی یکسری اشعار بختیاری به شکل مختصر پرداخته شده است.

۴-۱. سرزمین بختیاری

عبدالعلی خسروی از قول هرودوت می‌نویسد: بختیاری‌ها از نژاد قدیم ایرانی هستند که از کوه‌های آرات و قفقاز به سوی مغرب حرکت کردند. عده‌ای به جنوب رود جیحون (بلخ) رسیدند و چون اراضی آنجا را خوب، وسیع و بلامنازع یافتند، در کنار نهر آبی که ده‌ها نامیده می‌شد مسکن گزیدند که بعدها این محل را «بخت آر» نامیدند. (خسروی، ۱۳۷۵: ۵۴) به گفته رومن گیرشمن در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد در پارسوماش (مسجد سلیمان) کنونی و (انشان) ایذه کنونی در کوه‌های فرعی سلسله جبال بختیاری در مشرق شوشتر، ناحیه واقع در دو سوی ساحل کارون، نزدیک انحنای بزرگ این شط، پیش از آنکه به سوی جنوب برگردد، مستقر شدند. حضور و نقش بختیاری‌ها در هفت دهه و تلاش سازنده و مؤثرشان در تاریخ معاصر ایران باعث شد که مجلس و نمایندگان مردم در یازدهم ۱۳۲۷ه. ق. از کوشش‌های آن‌ها و حاج علی قلی‌خان سردار اسعد به صورت رسمی قدردانی کنند (دانشور علوی، ۱۳۷۷: ۱۹۵).

گونه‌های شعری بختیاری: پس از انقلاب اسلامی تحول بزرگی در عرصه شعر و ادب و موسیقی بختیاری پدید آمد و آثار فاخر فراوانی با مضامین نو و بدیع ارائه شد و همسو با تحولات شعر معاصر ایران، شعر گویشی بختیاری نیز در این دوره متحول

گردید و مضامین تازه صورت چشمگیری در آن راه یافت. در این دوران، در شعر بختیاری، بازگشت به هویت تاریخی سرزمین بختیاری و نوعی تمایل به استفاده از نمادها و گرایش به سمبلیسم نمایان است و از نمادها و واژگان اصیل بختیاری نظیر: لچک و مینا (نماد زیبایی و عفت)، چوقا (نماد اصالت)، بُهون (نماد زندگی بی‌آلایش)، برنو (نماد شجاعت و دلاوری)، زردکوه (نماد صلابت) و... که معرف نمادهای فرهنگی ایل بختیاری هستند. بهره بسیار برده شد. همچنین شعر آئینی با محوریت اسلام، انقلاب و دفاع مقدس نیز رونق فراوان یافت و در آن مضامینی همچون: مبارزه، حماسه، دفاع و پایداری، ایثار و شهادت، مدح اهل بیت(ع)، تعهد و ایمان و... به کار گرفته شد. به طور کلی در درون مایه شعر بختیاری مفاهیم حماسی و آزادگی موج می‌زند.

۲-۴ شاهنامه خوانی

در سرزمین بختیاری از دیر باز کتاب شاهنامه فردوسی با نام هفت لشگر مشهور بوده و کمتر خانواده‌ای پیدا می‌شود که این کتاب را نداشته باشد. در هر طایفه افراد با ذوقی بودند که شاهنامه را با سبکی خاص و با آوازی خوش می‌خواندند. از دورانی که قلم و کاغذ مورد استفاده قرار گرفته، بختیاری‌ها با نخستین کتابی که آشنا شده‌اند، شاهنامه حکیم فرزانه طوس بوده است که بیشتر در مکتب خانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته و ملاهای مکتب خانه دانستنی‌های خود را در مورد این کتاب حماسی و ملی برای شاگردان خود شرح می‌دادند. در مجالس خوانین بختیاری خواندن «شهنومه یا هف لشگر» جزو برنامه رسمی بود (خسروی، ۱۳۸۴: ۴۱۸). مردان و زنان بختیاری، ده‌ها و صدها بیت از این اثر بزرگ را از بر می‌دانند و در رخدادهای تلخ و شیرین، پندها و اندرزها، رزم‌ها و بزم‌ها و... با صدای خاص آن را می‌خوانند. داستان‌های رستم و اسفندیار، رستم و سهراب، هفت‌خوان، سیاوش و... از جذابترین و رایج‌ترین روایت‌ها در بین بختیاری‌هاست. برخی شاهنامه خوانان، با بهره‌گیری از صدای خوش، روح حماسه و دلاوری را در بین جوانان ایل زنده نگه داشته‌اند. این شیفتگی به فرهنگ

بی‌بدیل شاهنامه، سبب شد تا «جواد خسروی‌نیا» پژوهشگر و شاعر بختیاری، در یک اقدام ابتکاری به بازسرایی داستان‌های بهین‌نامه باستان پرداخته و شاهنامه بختیاری را پدید آورد (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۷۲).

شعر: خروسخون

شاعر: محمد جلیلی

بیا و یک سی گپون ایل زیر چل دارا جا ونیم باز

بخونیم وا شُرْشُر بَرَفُو بیت هفت لشگر با فلک ناز

بیا با کمک همدیگر برای بزرگان زیر درختان بزرگ فرش پهن کنیم و با صدای آبشارها اشعار شاهنامه و فلک ناز را بخوانیم.

۴-۳ خسرو و شیرین خوانی

خسرو و شیرین خوانی نیز مانند شاهنامه خوانی یکی و شیرین یا شیرین و خسرو، از آوازهای مشهور لری از سنت‌های ادب شفاهی بختیاری‌هاست. آواز خسرو بختیاری است که از قصه‌ای به همین نام، از حکیم نظامی گنجه‌ای برگرفته شده است و در دستگاه ماهور اجرا می‌شود. خوانندگان بختیاری، این مقام را در مجالس بسیار مهم نیز می‌خوانند. گاهی برای جوانانی که ناکام جان بسپارند، نیز از این مقام استفاده می‌کنند که بسیار جانسوز و دردناک است (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۲۱۹).

شعر: خروسخون

شاعر: محمد جلیلی

بزَن میشکال خسرو و شیرین بیت من سازت هی ببارته

صدا سازت وا دلم ایگو راز کَوگونه هم دووارته

ای نوازنده مقام خسرو و شیرین را بزَن زیرا که مناسب الان است و صدای آن صدای کبکان را برایم تداعی می‌کند.

۴-۴ شکار و صیادی

شکار و صیادی از دیر باز از جمله سرگرمی‌هایی بود که ورزش و کوهپیمایی و هنر تیراندازی را به همراه داشت. در جامعه عشایری افراد خاصی در این حرفه پیشتاز بودند و مورد توجه مردم نیز قرار می‌گرفتند. اشعاری که در زمینه صیادی، سینه به سینه به ما رسیده و به نام «بیت سرگهی» معروف است. بیانگر این واقعیت است که این حرفه را در زمره کارهای عیاری و پهلوانی قلمداد می‌کردند و در بزرگداشت آن شعر می‌سرودند که به آن «بیت صیادی» می‌گفتند (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۸۵).

۴-۵ هیاری (همیاری)

همیاری و کمک از زمانه ای دور همواره در بین انسان‌ها مرسوم بوده است. دورانی که ماشین آلات و ابزار کمکی کم بوده و بیشتر کارها به وسیله دست انجام می‌شده و مردم با کمک همدیگر کارها را انجام می‌دادند. ایل بختیاری نیز در کمک به همدیگر (هیاری) همیشه پیش قدم بوده‌اند. بختیاری‌ها بیشتر کارهای سخت را به صورت گروهی و دسته جمعی انجام می‌دهند. کارهایی مثل درو کردن، خرمن کوبی، آسیاب کردن گندم، مال کَنون، بر پا کردن سیاه چادر، درست کردن وارگه و... این روح بلند ایلیاتی و عشایری است که افراد بدون چشم داشت به هم کمک می‌کنند و در مسائلی چون دامداری، کشاورزی، عروسی و عزا، بافندگی و امور اقتصادی و اجتماعی خانوار، بیشتر نمایان است. در همه دوره‌های عمری و بین زنان و مردان، این همیاری به روش‌های گوناگون وجود دارد (داوودی حموله، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

۴-۶ سوگ چکامه‌های حماسی (شوخین)

در میان مردم بختیاری زبان، بنا بر سابقه تاریخی و حضور چشمگیر در عرصه‌های سیاسی اجتماعی، به خصوص در دوره‌های قاجار و پهلوی، گونه‌ای از "شوخین" یا "شوخی" نامیده می‌شوند. "شوخین" یا "شوخی" کوتاه شده یا دگرگونه واژه "شبیخون" است، چون بختیاری‌ها به "شب"، "شو" و به "خون"، "خین" "حین" می‌گویند. بنابراین "شوخین" یا "شوخی" یا "شوخی زدن" یعنی "شبیخون زدن" (

مددی، ۱۳۹۲: ۱۹۲) و در اصطلاح به نوعی از اشعار عامه گفته می‌شود که درباره شبیخون زدن یکی از بزرگان قهرمان تیل به سپاه ظلم سروده شده است.

۴-۷ باورهای مذهبی در اشعار حماسی

بختیاری‌ها یکی از اقوام ایرانی هستند که همگی بر دین اسلام و مذهب تشیع هستند. بختیاری یکی از گروه‌های مختلف ایرانی است که در حال حاضر همهٔ اعضا آن دارای مذهب تشیع هستند و بین آنان پیروان سایر مذاهب و ادیان دیده نمی‌شود (علیزاده گل سفیدی، ۱۳۸۸: ۱۶) برخی باورهای دینی و اعتقادات شیعی در اشعار شکار بازتاب یافته است. صیاد، مولا علی (ع) و حضرت عباس(ع) را در خواب دیده و آن روز شکار خوبی نصیبش شده است

شَو و خَو دِیدُم جِنَاوِ عَلِی نِه (ع) وَنَدُم و زَیدُم زرد چَمَبَرِینِه

Íaw ve xaw di ðom jenâve aline / vandom o zay ðom zard čambarine

برگردان: جناب علی(ع) را شب در خواب دیدم. تیر انداختم و پازنی زردرنگ که شاخ‌هایش پیچ در پیچ بود، شکار کردم.

یکی از آداب مذهبی شکار آن است که افراد نمازخوان از گوشت صیدی که از کوه افتاده است، استفاده نمی‌کنند. این مورد در بازنامه‌ها هم ذکر شده است:

و اگر صیدی را تیری برش آید و از کوه بزیر افتد یا در آب افتد و بمیرد روا نبود بخوردن آن از بهر آنکه وی نداند که در آب مرده است یا با افتادن از کوه مرده است (نسوی، ۱۳۵۴: ۲۰-۲۰)

ای صیادون آئی! بیایین بریم و دَسته با نمازو ~ نیخورن، گوشتِ گر و رَسته

ay siyâ ðon ay! biâyîn berim ve daste / bâ nemâzov ~ nixoren, gofte gar varaste

برگردان: ای صیادان! بیایید دسته جمعاً به شکار برویم. افراد نمازخوان از گوشت صیدی که از کوه افتاده است، نمی‌خورند.

۵. معروف‌ترین اشعار حماسی بختیاری

شعار حماسی بختیاری اسدخان، رئیس طایفه بهداروند بختیاری بود که از پرداخت مالیات به فتحعلی شاه قاجار سر باز زد. به همین دلیل، فتحعلی شاه، حکم دستگیری او را صادر کرد. وقتی او را دستگیر کردند، فتحعلی شاه دستور داد تا او را زنده به گور کنند. در روز موعود، کارگران که بیشتر دوستان اسدخان بودند، خوب دست به کار نمی‌بردند. به همین دلیل، اسدخان خود بیل و کلنگ را گرفت و گور خود را کند. فتحعلی شاه که از این همه شهامت، تعجب کرده بود، او را در ازای تأمین زغال برای کارخانه مهمات‌سازی آزاد کرد.

اسدخان پس از آن، به دلیل جفاهای حکومت در حق بختیاری‌ها، در محلی به نام (کلنگ چی) یا (کلنگ چین) با حکومت وارد جنگ شد. در این جنگ که ژنرال‌های فرانسوی یاریگر حکومت بودند، سپاه بختیاری پس از عبور از تنگه صعب العبوری، در جلوی صخره‌های به محاصره در آمد. اسدخان برای عبور از صخره، دستور داد بسیاری از احشام را کشتند تا بتوانند پشته‌ای فراهم کنند و به بالای صخره صعود کنند. بالاخره عده‌ای صعود کردند؛ اما بسیاری از پیرمردان و کهنسالان جان باختند. اسدخان خود توانست از این مهلکه جان سالم به در ببرد و تا سال ۱۲۳۸ هجری نیز با حکومت جنگ کند و پس از آن درگذشت (رئیس، ۱۳۷۵: ۹۵). جنگ‌های شجاعانه اسدخان سبب شد که مردم دوستدار وی، در ابیاتی نام او را جاویدان کنند:

کلنگ‌چینه تش زَم تش به سر تش که خدا شوراکشم اساق کَهِش

Kolangčine taš zanom taš be sare taš, kahxodâ šowrâkašom
esâqe kahiš.

برگردان: منطقه کلنگ چین را آتش می‌زنم؛ آتش پس از آتش! همراه با اسحاق کَهِش که کدخدای طرف مشورت من است (اسحاق کَهِش، بزرگ طایفه کَهِش و ایل سهونی که در جنگ کلنگ چین در کنار اسدخان بهداروند بود).

کول به کول، کول خدنگ، کول کلنگ چین صحرا نه سوار گِره‌د، دَورُم تفنگ‌چین

**Kul be kul, kule xadang kule kolangčîn sahrane sovar
gerehd dowrom tofangčîn.**

برگردان: دره به دره؛ درهٔ خدنگ و درهٔ کلنگ چین، همه جا را سواران گرفته‌اند و دور
و بر من را تفنگچی‌ها اشغال کرده‌اند.

فرنگی گرازخوره، هی توپ اریزه کی گده شاه اسدم، ذغال بویزه...

**Farangi goraxxore, hey tup irize ki gode šâh asadom zoqal
bevize.**

برگردان: فرنگی گرازخوار (خدانشناس) است و دائماً با گلوله‌های توپ به سمت ما
شلیک می‌کند. چه کسی گفته است که اسدخان باید زغال تهیه کند؟

رحمانی برده بنه زیر تفنگم هفت و چار، وا دینارون ویدن به جنگم

**Rahmani barde bene zire tofangom hafto čâr va dinarun
veyden be jangom.**

برگردان: آقای رحمانی (از افراد اسدخان) سنگ را زیر تفنگ من بگذار؛ زیرا طوایف
ایل هفتلنگ و چهارلنگ به همراه طوایف دینارون به جنگ من آمدند.

شمشیر شاه اسد چی نیزه آفتو همسو که زنس به گل دشمن کنه تو

Šošire šâh asad čî neyze afto haso ke zanes be gel dešmen kone tow.

برگردان: برگردان: شمشیر اسدخان (شاه اسد) مانند تیغهٔ آفتاب است. وقتی که از نیام
در می‌آید، دشمنان تب می‌کنند.

۱-۵ دیوان افسر بختیاری

در قلمرو ادبیات که گونه‌ای از هنر است؛ کلمات، مصالح و موادی هستند که نویسنده
یا شاعر با بهره‌گیری از عواطف و تخیلات خویش آن‌ها را به کار می‌گیرد و اثری ادبی
و هنری می‌آفریند. علم معانی علم به اصول و قواعدی است که به یاری آن‌ها کیفیت
مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام شناخته می‌شود و موضوع آن الفاظی است که

رساننده مقصود متکلم باشد و فایده آن آگاهی بر اسرار بلاغت است در نظم و نثر (صفا، ۱۳۶۳: ۱۳).

پس موضوع علم معانی بررسی جملات از جهت معانی و کاربرد ثانوی آن است. در این علم به طور کلی از موارد استعمال مختلف انواع جملات بحث می‌شود؛ مثلاً جملات خبری خبر می‌دهند. ولی در علم معانی می‌توان با جملات خبری حالات عاطفی، تعجب، ارشاد، تاکید و تمنی و آرزو و... را هم بیان کرد، چنان که دکتر شمیسا عمده کار علم معانی را بحث درباره ظرایف و دقایق و شگردهای استعمال ثانوی، فرعی و مجازی جملات. بیان کرده است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۱۸). بنابراین گوینده آگاه و سخندان کلام خود را بر اساس درجه و آگاهی و استعداد شنونده و مطابق اندیشه و شوق و طلب او یا بر اساس بیزاری و تفر و دیگر حالات مخاطب می‌آورد.

داراب افسر بختیاری در سال ۱۲۹۷ شمسی در چغاخور بختیاری متولد شد. پدرش آاصلان از طایفه‌ی احمد خسروی و مادرش بی‌بی گوهر دختر حسین‌قلی خان ایلخانی بود. داراب افسر دوران کودکی را در میان طبیعت شگفت‌انگیز بختیاری و کوچ عشایر ساده و صمیمی گذراند. او در مکتب خواندن و نوشتن را آموخت؛ وجود کتابخانه‌ی حاجی علی خان سردار اسعد، فاتح مشروطه، که خود ادیبی اندیشمند بود؛ موهبتی شد تا بتواند به گنجینه‌ی بزرگی از تاریخ و ادبیات و بسیاری از دستاوردهای اساطیری، میراث ادب فارسی، ادبیات عامه و حکایت‌های کهنسال دسترسی داشته باشد و مطالعه‌ی آن‌ها را به عنوان اصل مهم کار خود قرار دهد و از این سرچشمه‌ی فرهنگ و ادب ملی برای غنای ذهن و زبان خود بهره گیرد.

- جملات خبری با اغراض ثانوی

اظهار تأثر و اندوه

با خیال تو چه سازم که به مو جنگ اگنه هی فشارم اده و هی دلمه تنگ اگنه

(داراب افسر، ۱۳۸۹: ۴۲)

چگونه با فکر و خیال تو کنار بیایم در حالی که با من می‌جنگد. فکرت بر من فشار می‌آورد و دلم برایت تنگ می‌شود.

مفاخره

از چین سر زلف من آشوب به چین است بتخانه چینم من و بتخانه چین است
(همان: ۱۵۷)

۵-۲ اشعار علی مردان خان بختیاری

علیمردان خان، پسر علی قلی خان و از نوادگان ابدالخان (از طایفه محمود صالح بختیاری) بود. مادر وی بی‌بی مریم بختیاری، دختر حسین قلی خان ایلخانی بود. همزمان با ظهور رضاشاه و اجرای طرح‌هایی همچون خلع سلاح عشایر، تخت قاپو (اسکان اجباری عشایر) و کشف حجاب، عرصه بر بختیاری‌ها تنگ شد. به همین دلیل علیمردان خان با تأسیس جمعیتی به نام "هیئت اجتماعی بختیاری"، علیه حکومت مرکزی قیام کرد. قیام علیمردان خان، نیمه خرداد ۱۳۰۸ شمسی شروع شد (امیری، ۱۳۷۷: ۷۷).

علی مردان خان سپس به زندان قصر منتقل شد و در همانجا و در سال ۱۳۱۳ شمسی تیرباران شد. شهادت علی مردان خان که علیه استبداد رضاشاه قیام کرده بود موجی از غم و اندوه در میان بختیاری‌ها ایجاد کرد. یکی از واکنش‌های مردم به این واقعه، سرودن سوگ چکامه یا شوخینی است که بیش از هشتاد سال است که ورد زبان مردم این دیار است. در این سوگ چکامه حماسی، سراینده ناشناس، ابتدا زبان حال علیمردان خان را در میدان نبرد توصیف می‌کند. تو گویی سراینده خود با او در میدان نبرد بوده و آخرین وصایای او را از زبان وی شنیده است:

کُنه تیپ؟ کُنه سپاه؟ کُنه فراشم؟ ره بدین دام و دَدم بیان سر لاشم

Koye tip? Koye sepâh? Koye farâšom? Rah bedin dâm o dadum biyân sare lâšom

برگردان: تیپ، سپاه و خدمتکارانم کجایند؟ راه را باز کنید تا مادر و خواهرانم به سر جسد من بیایند.

بی عروس تو کل بزن تا مو کُتم جنگ شمشیرم و گل زَنم سی ایل چارلنگ
bi arus to kel bezan tâ mo konom jang šošïrom ve gel
zanom siile čâlang
برگردان: بی بی عروس تو هلهله شادی سر بده تا من بجنگم و برای نجات ایل
چهارلنگ، شمشیرم را از غلاف بیرون بیاورم.

بی عروس تو کل بزن، کل بساکی تفنگچی ز مَمصالح سوار ز راکی
bi arus to kel bezan kele bosaki, tofangči ze mamsâleh
sovâr ze râki.

برگردان: ای نوع عروس تو هلهله‌ای از نوع هلهله‌های طوایف بساکی سر بده تا به این
وسیله تفنگچیان طایفه محمدصالح و سواران طایفه راکی باخبر شوند و به یاری من
بیایند.

۶. ساختار و محتوای اشعار حماسی بختیاری

اشعار حماسی بختیاری از نظر ساختار، نوعی شعر روایی - توصیفی‌اند؛ به عبارت
دیگر، سراینده در این اشعار، با روایتی از یک جنگ برون یا درون مرزی بختیاری
سروکار دارد و کار او در بهترین شکل ممکن این است که بتواند آن روایت را به
زیبایی و هنرمندانه، در قالب اشعاری توصیف کند. البته، به شرطی که اصل و ذات
روایت خدشه‌دار نشود. بنابراین، در این اشعار عمدتاً با توصیف صحنه یا صحنه‌هایی
از نبرد یکی از قهرمانان بختیاری روبه‌رو هستیم. این اشعار، از نظر مضمون و محتوا و
شکل روایی، در نوع ادبی حماسه جای می‌گیرند و از این نظر می‌توان آن‌ها را جزء
اشعار حماسی عامه قرار داد. با این توضیح که در این اشعار، زمینه‌های غنایی نیز قوی
است.

۷. نتیجه‌گیری

برای شناخت مردم و فرهنگ هر منطقه، مطالعه در ادبیات آن، امری ضروری است. در
این زمینه، ترانه‌ها و اشعار عامیانه نقش مهمی دارند. در فرهنگ بختیاری نیز شعر و

ترانه جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چنان که معمولاً برای انجام هر کاری از بدو تولد تا مرگ شعر خوانده می‌شود. محتوای این اشعار دربرگیرنده مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است که نگرشها و باورها و ارزشهای قوم را بازنمایی می‌کنند.

با بررسی فن بیان و معانی در اشعار بختیاری می‌توان چنین برداشت کرد که این اشعار با تشبیهات زیبا، استعاره‌های دل انگیز، کنایه‌های پر معنی و مجازهای ناب دنیایی می‌شود از ذوق و زیبایی و ظرافت؛ که خواننده را به سرزمینی می‌برد که در آن هیجانانگیز و افکار، طنین‌ها و معناها از یک انرژی نشئت می‌گیرد. با معانی جملات حالات گوناگون سخنش را به اقتضای حال مخاطب هماهنگ می‌کند و بر اساس درجه آگاهی و استعداد شنونده و خواننده و مطابق اندیشه و شوق و طلب او، یا تنفر و بیزاری و دیگر حالات مخاطب سخن می‌گوید و اینجاست که شاعر بختیاری با قدرت خلاقانه ذهن خود از این علوم در حوزه‌های فکر، اندیشه و احوال عاطفی و احساسی، مسائل تاریخی و اجتماعی، بهره برده و آنرا با شاهکار ادبی خود پیوند داده است.

بنابراین، بررسی آنها می‌تواند نقش مهمی در شناخت این فرهنگ داشته باشد. باورها و ارزش‌های قومی سعی بر آن دارد تا اظهار نظرش در مورد طبیعت و حوادث آن که گاه سرشار از لذت و گاه درخواست از آن و گاه پر از اندوه است را بنمایاند و با طبیعت و آنچه در این راستا به آنان می‌نمایاند، در ارتباطی جمعی با هم تباران خود در سور و سوگ نشسته و گاه اندوه را بکاهد و گاه نیازی بطلبد و گاه از سر شادی و سوری بر پا دارد. در میان قوم بختیاری که در فلات مرکزی ایران و دو سوی زاگرس مرکزی و در میان رشته کوه‌های مرتفع قرار دارد و شامل بخشی از استانهای خوزستان چهارمحال بختیاری اصفهان و لرستان است، می‌توان نمونه‌های بسیاری از این گونه آیین و مراسم را جستجو کرد. آیین و مراسم در بختیاری به مناسبت‌های گوناگونی برپا می‌شود و می‌تواند از تولد تا مرگ و گاه حاجات را در محدوده خود قرار دهد.

یکی از ویژگی‌های مهم این اشعار واقع‌گرایی آنهاست، به گونه‌ای که مضامین آنها پیوند نزدیکی با مسائل زندگی دارد و مباحث اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را

منعکس می‌کند. بنابراین، با مطالعه این اشعار می‌توان نگرش، باورها و ارزشهای قوم بختیاری را به تصویر کشید. اغلب شاعران بختیاری زبان معاصر در تمام اشعارشان از آداب، رسوم و فرهنگ عامه استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال در اشعار مسعود بختیاری یا روشن سلیمانی این موضوع را می‌توان دید. نکتهٔ دیگر در مورد آداب و آیین‌هایی است که در میان قوم بختیاری در حال کمرنگ شدن و از بین رفتن هستند، اما در اشعار بعضی شعرای بختیاری این آیین‌ها دیده می‌شوند و شاید این موضوع جهت یادآوری برای نسل آینده و جوانانی است که با فرهنگ و آداب و رسوم کهن سرزمین‌شان بیگانه هستند و این یکی از بزرگترین خطرهایی است که جامعه با آن روبه روست.

منابع

- پوربختیار، غفار (۱۳۸۴) *بختیاری نامه*. چاپ اول، تهران: انتشارات پازی تیگر.
- تجلیل، جلیل. (۱۳۶۲) *معانی و بیان*. تهران: نشر دانشگاهی.
- خسروی. عبدالعلی (۱۳۸۴) *بختیاری در جلوه گاه فرهنگ*. چاپ ۲. جلد ۵. اصفهان: شهسواری.
- دانشور علوی، نورالله (مجاهد السلطان) (۱۳۷۷) *جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری (تاریخ مشروطه ایران)*. تهران: آنزان.
- داوودی حموله، سریا (۱۳۹۳) *دانشنامه قوم بختیاری*. اهواز: معتبر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۷) *زبان و ادبیات عامه ایران*. تهران: سازمان سمت.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰) *انواع شعر فارسی*. شیراز: نوید شیراز.
- سرلک، رضا. (۱۳۸۵) *آداب و رسوم و فرهنگ عامه ایل بختیاری چهارلنگ*. تهران: طهوری.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) *معانی و بیان*. چ ۸، تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۵۲) *حماسه سرایی در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۳) *آیین سخن*. چ ۱۱، تهران: انتشارات فردوس.
- صیفوری آرپناهی، میرزا لطفعلی (۱۳۸۰) *دیوان میرزای بختیاری*. به کوشش فرجی فر، تهران: انتشارات سیم رو.

- عباسی سورکی، هاجر (۱۳۹۵) بررسی علم معانی در دیوان داراب افسر بختیاری. تهران: کنگره بین‌المللی علوم اسلامی.
- قاضی زاده، مریم. (۱۳۹۵) جامعه‌شناسی شعر بختیاری. شهرکرد: انتشارات نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۵) گفت و لغت. شهرکرد: انتشارات مرید.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۳) ادبیات عامهٔ بختیاری. شهرکرد: نیوشه.
- ایزدی، غلامعلی (۱۳۹۵). «نوستالژی در شعر گویشی بختیاری». دو فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات ایلات و عشایر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال هفتم، شماره دوم، صص ۶۴-۵۱.
- جهانگیری، غلامرضا (۱۳۹۷). «تحلیل اساطیر حماسی شاهنامه در ادبیات پایداری معاصر (با تأکید بر اشعار علیرضا قزوه، نصرالله مردانی و قیصر امین پور)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- دانایی‌نیا، احمد، ایل بیگی‌پور، فرانک (۱۳۹۶). «ویژگی‌های منظر فرهنگی عشایر بختیاری و تأثیر آن در ساختار معماری کوچ نشینی». نشریه باغ نظر، سال چهاردهم، شماره ۵۷، صص ۶۳-۷۴.
- داوودی مقدم، فریده و جهانگیری، غلامرضا (۱۳۹۶). «تحلیل اساطیر حماسی شاهنامه در ادبیات پایداری معاصر». نخستین همایش ادبیات مقاومت با محوریت شهدای دانشجو استان خراسان شمالی، بجنورد.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶). «مقدمهٔ الأدب». مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ اول، ص ۱۵۸.
- سلطانی مقدم، حمیده (۱۳۹۵). «حماسه سرایی در ایران». پژوهشکده باقرالعلوم، ص ۳۰.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۷۷). «ادبیات پایداری، پژوهش نامه ویژه دفاع مقدس». مرکز پژوهش-های بنیادی، تهران. سال سوم، شماره ۴.
- شهبازی، اصغر (۱۳۹۸). «نقد توصیفی و ساختاری سوگ چکامه‌های حماسی بختیاری (شوخین‌ها)؛ گونه‌ای از اشعار عامه. فرهنگ و ادبیات عامه». دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۲۴۲-۲۲۰.

- طایی سمیرمی، حاتم، تجلی اردکانی، اطهر، علیزاده، علی (۱۳۹۹). «نوستالژی دوران حماسی در شعر بختیاری». *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۱۱-۱۲۹.

- فروزان‌فر، احمد و عسگری، زهرا و داودی مقدم، فریده. (۱۳۹۶). «مضامین شاخص ادبیات پایداری دربخش حماسی شاهنامه فردوسی». *مجله ادبیات پایداری تهران*، دوره ۹، شماره ۱۷، صص ۲۶۹-۲۵۹.

- کریمی نورالدینوند، روح‌الله؛ رضایی، حمید؛ درودگریان، فرهاد (۱۳۹۹). «تحلیل محتوایی اشعار صیادی در فرهنگ بختیاری». *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۸، شماره ۳۱، صص ۱۵۷-۱۸۲.

- محمد عطیه، احمد (۱۹۶۲). «فی الثوره الفلستینیه و ادب غسان کنفانی». *مجله الادب*، شماره ۳، صص ۸۵-۸۲.

- نجمی، شمس‌الدین، قره‌چاهی، سعیده (۱۳۹۷). «جلوه‌های پایداری در نهضت شیعی سریداران». *نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان*، سال دهم، شماره ۱۸، صص ۳۲۷-۳۴۶.

